

تأویل نقوش نمادین طاووس و سیمرغ در بناهای عصر صفوی

دکتر محمد خزائی، دانشیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

نقوش تزئینی در فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهری دارند. گرچه مقوله زیبایی و زیبا جلوه دادن آثار هنری خود یکی از شاخصه‌های مهم هنر اسلامی است ولی این نقش‌ها از ارزش‌ها و ال‌تری هم برخوردار است. هر نقش فقط رنگ و شکل نیست بلکه معنایی هم دارد. ظاهر بسیاری از نقش‌ها در هنر اسلامی در حکم آغاز دیدن یک معنای نادیدنی و باطنی است. مطالعه و پژوهش در ابعاد مختلف هنر اسلامی، شایستگی فهم بسیاری از نشانه‌ها و نقش‌های هنر اسلامی را در پی خواهد داشت. در غیر این صورت نمی‌توان بهره‌ای کافی از آثار هنر اسلامی برد. متأسفانه بررسی این بُعد از هنر اسلامی در مقایسه با ابعاد تاریخی و سیر تحول تکنیکی آن، کمتر مورد بحث و موشکافی قرار گرفته است.

نقش طاووس و سیمرغ از جمله زیباترین نقوشی هستند که به طرز بسیار استلانه در تزئینات بسیاری از آثار هنر اسلامی دوره صفوی به خصوص در مساجد، امامزاده‌ها، منارس و دیگر بناهای اصفهان کار شده‌اند. این مقاله سعی دارد به بیان مفاهیم نمادین نقش طاووس و سیمرغ که در آثار و ابنیه‌های اصفهان دوره صفویه تجسم یافته، بپردازد.

روش تحقیق: تحلیل محتوی، تطبیقی و تاریخی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات نیز با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و روش میدانی می‌باشد.
واژگان کلیدی: هنر اسلامی، دوره صفویه، نماد، طاووس و سیمرغ.

را در قالب نقش‌های تزئینی مبتنی بر اصول زیباشناختی ارائه نمایند. گرچه توجه هنرمندان به جنبه‌های تزئینی و ایجاد لطافت و رعایت مبادی زیباشناسی سبب شده بسیاری از کارشناسان فرنگی در زمینه هنر اسلامی چنین ابراز نمایند که هدف اصلی هنرمندان از طرح اینگونه نقش‌ها، تنها به‌خاطر زیبا جلوه‌دادن آثار خود بوده است و این نقش‌ها فاقد هرگونه مفهوم و معنای نمادین می‌باشند. وجود زیبایی و ایجاد ملاحظت در آثار هنرمندان مسلمان تنها هدف هنرمند نبوده است. هنرمندان ایرانی بسیار مشتاق بودندند تا مفاهیم معنوی را به صورت رمز و نماد در قالب طرح و نقش‌های زیبایی ارائه دهند. همان‌گونه که امام محمد غزالی در کتاب کیمیای سعادت در باب «جمال» می‌گوید: «نیکوئی ظاهر عنوان نیکوئی باطن بود». میرفندرسکی هم خوش می‌سراید:

چرخ با این اختران نغز، خوش زیباستی
صورتی در زیر دارد هرچه در بالاستی

در حقیقت روح اسلام و آداب معنوی است که طبع و ابعاد درونی هنرمند را به سوی این بُعد از هنر، هدایت می‌کند. بسیاری از عرفا بدون این که قصد شعر گفتن داشته باشند، سخنان خود را در قالب نظم بیان داشته‌اند. به عنوان مثال شیخ محمود شبستری در ابتدای گلشن راز چنین ابراز می‌دارد:

همه دانند کاین کس در همه عمر
نکرده هیچ قصد گفتن شعر
به همین سبب، آثار بصری هنرمندان نیز به شکل تجریدی و با نظمی تزئینی تجسم یافته است. قاضی احمد منشی قمی (۹۵۳-۱۰۰۴ هجری)

مقدمه:

در گذشته

استادانی که خود

اهل سیر و سلوک

بودند، نه تنها به تعلیم

مهارت‌های فنی می‌پرداختند بلکه

شاگردان در محضر آنها آیین و اسرار

رمزآموزی را در پوشش آداب مذهبی نیز

می‌آموختند. هنرمندان از طریق همین ارتباط

روحانی، نظریه‌های جهان‌شناختی و متافیزیکی را که

مبنای نمادپردازی هنر اسلامی است فرا می‌گرفتند.

آنها جلوه‌هایی رمزگونه از حکمت و عرفان ایرانی -

اسلامی را در آثار هنری خویش متجلی می‌نمودند. بررسی

این بُعد از هنر اسلامی در مقایسه با ابعاد تاریخی و سیر تحول

تکنیکی آن، کمتر مورد بحث و موشکافی قرار گرفته است. به

همین دلیل مفاهیم نمادین بخش عظیمی از آثار هنر ایران همچون

لوحی درهم پیچیده، باقی مانده است. در این مقال سعی می‌شود

به‌طور مختصر به بیان جلوه‌هایی از معنا و مفهوم نقش‌های طاووس

و سیمرغ که در قالبی نمادین در آثار هنری اصفهان عصر صفوی تجسم

یافته اشاره شود.

در طول تاریخ ایران، همیشه بین هنر و آداب معنوی برگرفته از مذهب،

ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته است. در حقیقت دین یکی از مهمترین

عوامل شکل‌دهنده هنر و هنر زبان عمیق‌ترین حکمت‌های بشر و جلوه‌گاه

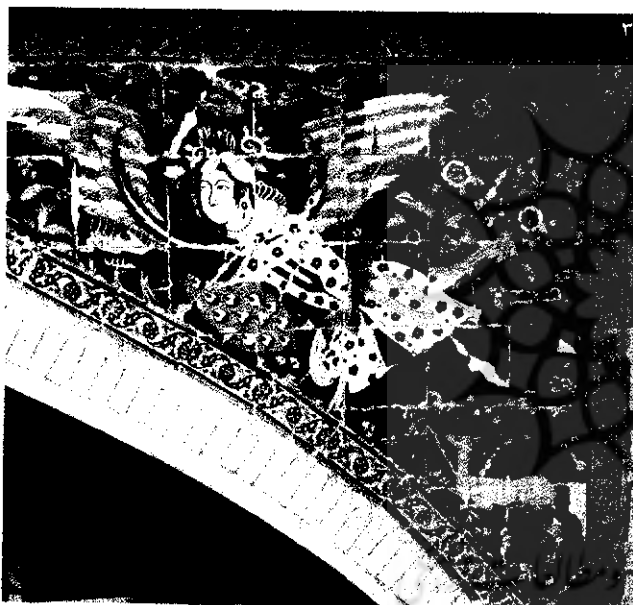
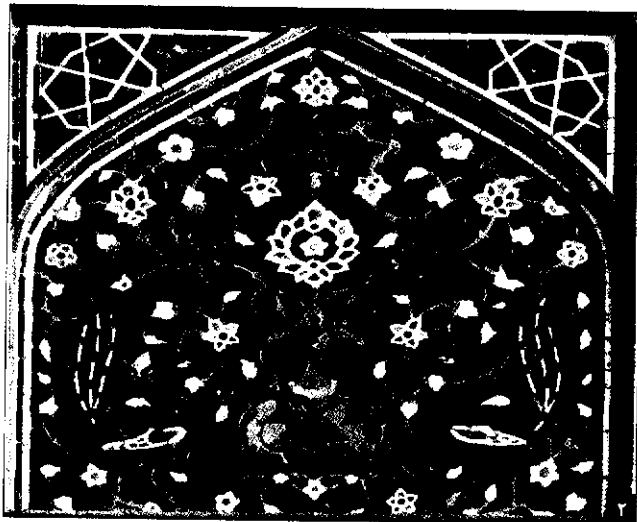
زیباترین احساس‌های عرفانی بوده است. در هنر ایران قبل از اسلام هم

این ارتباط کاملاً مشهود است. بسیاری از آثار هنری برجای مانده در این

ایام بر مبنای مفاهیم نمادین و به صورت انتزاعی طرح شده‌اند. ارتباط بین

هنر و دین در طول دوره اسلامی بیش از هر زمان دیگر شکوفا و توسعه پیدا کرد.

هنرمندان مسلمان تحت تعالیم دین مبین اسلام توانستند بسیاری از مفاهیم معنوی



در کتاب «گلستان هنر» در شرح حال هنرمندان خوشنویس و نقاش به این موضوع اشاره دارد که بسیاری از هنرمندان، عارف و اهل سلوک بوده‌اند و اسامی بسیاری از آنها را با عنوان «مولانا» آورده است.

اشاره شد در گذشته استادانی بودند که خود اهل سیر و سلوک بوده، به تعلیم و راهنمایی هنرمندان می‌پرداختند. هنرمندان در محضر آنها آیین جوانمردی و رمزآموزی فرا می‌گرفتند. این استادان می‌کوشیدند تا آیین تقدسی برای همه حُرَف و اصناف تنظیم کنند و اسرار آن حرفه‌ها و اصناف را در پوشش آداب مذهبی نسل به نسل منتقل سازند. شاید به همین دلیل است که صدای چکش طلاکوبی صلاح الدین زرکوب در وسط بازار قونیه چنان پر از لطف و معنا بود که مولانا جلال الدین را به وجد و سر شوق می‌آورد:

یکی گنجی پدید آمد در آن دکان زرکوبی زهی معنا زهی صورت زهی خوبی زهی خوبی
 از آنجایی که در قرون گذشته این اصول و آیین مقدس و روحانی بر همه وجوه زندگی حاکم بود، بسیاری از طرح و نقش‌ها نیازی به تاویل نداشتند، ولی امروز معنا و مفهوم نمادین آنها برای ما پنهان است. حتی هنرمندان متأخر هم ممکن است توجهی خاص به معنای محتوایی آنها نداشته و از مفاهیم نمادین نقش‌ها آگاه نبوده و تنها به خاطر احترام و دنباله‌روی از استادان خود در ادامه مهارت‌های سنتی، تنها به تکرار این نقوش پرداخته باشند.

با مزاجه به منابع موجود، شامل آیات قرآن کریم، احادیث، متون عرفانی، ادبیات و ... می‌توان شواهد قابل قبولی برای درک مفاهیم نمادین بعضی از نقوش تزئینی در هنر اسلامی دست یافت. نقوش طاووس و سیمرغ هم از جمله این دسته از نقوش نمادین در هنر ایران هستند که به طرز بسیار زیبا و استادانه ای در تزئینات بسیاری از اماکن دوره صفوی در اصفهان کار شده‌اند. در اینجا به ارزیابی مضامین نمادین این نقوش پرداخته می‌شود.

نقش طاووس

به اعتقاد پیشینیان طاووس نایب‌کننده مار است. از این رو آن را عامل حاصل‌خیزی زمین دانسته‌اند. نقش طاووس همراه با درخت زندگی جایگاه مهمی را در هنر ایران به خود اختصاص داده است. این نقش اغلب با مفاهیم مذهبی همراه می‌باشد. نقش طاووس نه تنها به‌عنوان نقشی نمادین در آثار هنری دوره اسلامی به‌کار گرفته شده بلکه این پرنده در دوران باستان در آیین زرتشت به‌عنوان مرغی مقدس مورد توجه بوده است. طبری در مورد آتشکده‌ها و معابد زرتشتی که تا قرن سوم هجری باقی بوده، اشاره می‌کند در نزدیکی آتشکده بخارا محل خاصی برای نگهداری طاووس‌ها اختصاص داده شده بود و در آنجا از طاووس‌ها نگهداری می‌کردند.

در دوران باستان معتقد بودند طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات، عمر جاودانه یافته است. در بسیاری از آثار دوره ساسانی نقش طاووس در تزئینات و یا در دو طرف درخت زندگی قرار گرفته است. به‌طور مثال نقش طاووس در نقش برجسته‌های طاق بستان، پارچه‌ها و یا در لوح‌های گچی تیسفون دوره ساسانی دیده می‌شود. (شکل ۱)

با توجه به همراهی نقش طاووس با «درخت زندگی» در هنر ایران باستان و همچنین حضور آن در دوره اسلامی خصوصاً در تزئینات معماری دوره صفویه لازم است در ابتدا به‌طور مختصر این نقش نمادین معرفی شود. نقش درخت زندگی یکی از مهمترین نقوش تجریدی و نمادین در هنر ایران دوره ساسانی است. حضور گسترده این درخت در جای‌جای آثار هنری ایران قابل توجه می‌باشد. درخت زندگی در تزئینات بسیاری از آثار هنری بر جای مانده از دوره باستان

خصوصاً ظروف سیمین و زرین، منسوجات، گچبری‌ها و نقش برجسته‌های ساسانی در میان دو طاووس به صورت رخ به رخ طرح شده است. علاوه بر طاووس حیوانات طبیعی مثل اردک، غزال و ... و یا نقش جانوران افسانه‌ای و ترکیبی چون اسفنگس، گاو بالدار، شیردال (گریفین) و ... قرار دارد که از درخت و میوه اش محافظت می‌کنند. در فرهنگ باستان؛ اژدها(مار) نماد اهریمن در صدد تسلط بر درخت زندگی است. سلطه مار بر درخت زندگی سبب خشکسالی و آب در روی زمین به آفت شوری و بدمزگی آمیخته می‌شود. با حضور این دو محافظ و جنگیدن با مار از سلطه آن بر درخت زندگی جلوگیری کنند.

شکل درخت زندگی در دوره اسلامی بر اساس جهان بینی اسلامی تعدیل شده و در آثار هنری مطابق با مفهوم «درخت طوبی» ظهور پیدا کرده است. در فرهنگ اسلامی درخت طوبی و یا سدره المنتهی، به عنوان درختی بهشتی اشاره می‌شود. احادیث و روایت‌های زیادی در باب این درخت در دست است. از جمله آنها، طوبی درختی است که شاخه‌های متعددی از آن منتشر شده و خانه‌های بهشتیان مزین به یکی از شاخه‌های این درخت بهشتی است و هر چه بهشتیان اراده کنند از خوردنی‌ها بر آن می‌روید. پس این درخت منشاء برکت و روزی بهشتیان است. این درخت یکی از چند درختی است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است (سوره ۵۳ آیات ۱۴ تا ۱۶).

در هنر اسلامی اگرچه طاووس نقش مهمی دارد ولی در قرآن به آن اشاره‌ای نشده است. در نهج البلاغه خطبه ۱۶۵ امام علی (ع) از آن به عنوان شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش یاد می‌کند و رنگ پرهای طاووس را با پارچه‌های زیبای پر نقش و نگار و پرده‌های رنگارنگ یمنی مقایسه می‌کند. حکیم سنائی در دیوانش، پیامبر اسلام را به عنوان طاووس بوستان قنوسی بر می‌شمارد:

کرده با شاهپر طاووسی جلوه در بوستان قنوسی

در منطق الطیر عطار طاووس به عنوان یک مرغ بهشتی مورد توجه بوده است. وقتی حضرت آدم و حوا از بهشت رانده شدند، طاووس هم به دلیل این که رابط بین آنها و شیطان (در هیئت مار) بود، طاووس هم از بهشت رانده شد. عطار طاووس را مظهر بهشت پرستان می‌داند که در سر خیال پیشگاه سیمرغ را نمی‌پروراند. او مشتاق بازگشت به بهشتی است که به گناه همدستی با مار از آنجا رانده شد:

یار شد با من به یک جا مار زشت تا بیفتم به خواری از بهشت
عزم آن دارم کزین تاریک جای رهبری باشد به خلدم رهنمای
من نه آن مردم که در سلطان رسم بس بود اینم که در دربان رسم
کی بود سیمرغ را پروای من بس بود فردوس اعلی جای من

نقش طاووس از جمله نقوشی است که در تزیینات مساجد و اماکن مذهبی از دوره صفویه حضوری چشم گیر دارد. نقش دو طاووس به صورت قرینه در دو طرف کوزه آب حیات که درخت زندگی از درون آن روئیده شده، از جمله نقوشی است که تزیینات ایوان ورودی مسجد امام اصفهان کار شده است (شکل ۲). در تزیینات سر در ایوان ورودی دیگر مکانهای مذهبی دوره صفویه امامزاده هارونیه و مدرسه چهار باغ دیده می‌شود (شکل ۳). علاوه بر موارد فوق نقش طاووس در کاشیکاری‌های کلیسای وانک، نمای بیرونی کاخ هشت بهشت (شکل ۴) و سر در بعضی بناها در خیابان هارونیه اصفهان دیده می‌شود. یکی از زیباترین نقوش طاووس همراه با درخت زندگی در تزیینات قصر صفویه در شهر ناین (خانه پیرنیا) است (شکل ۵). این نقش در اماکن مذهبی دوره قاجار (مسجد سید) و حتی در ایوان مسجد اعظم قم از بناهای معاصر نیز قابل ردیابی می‌باشد.

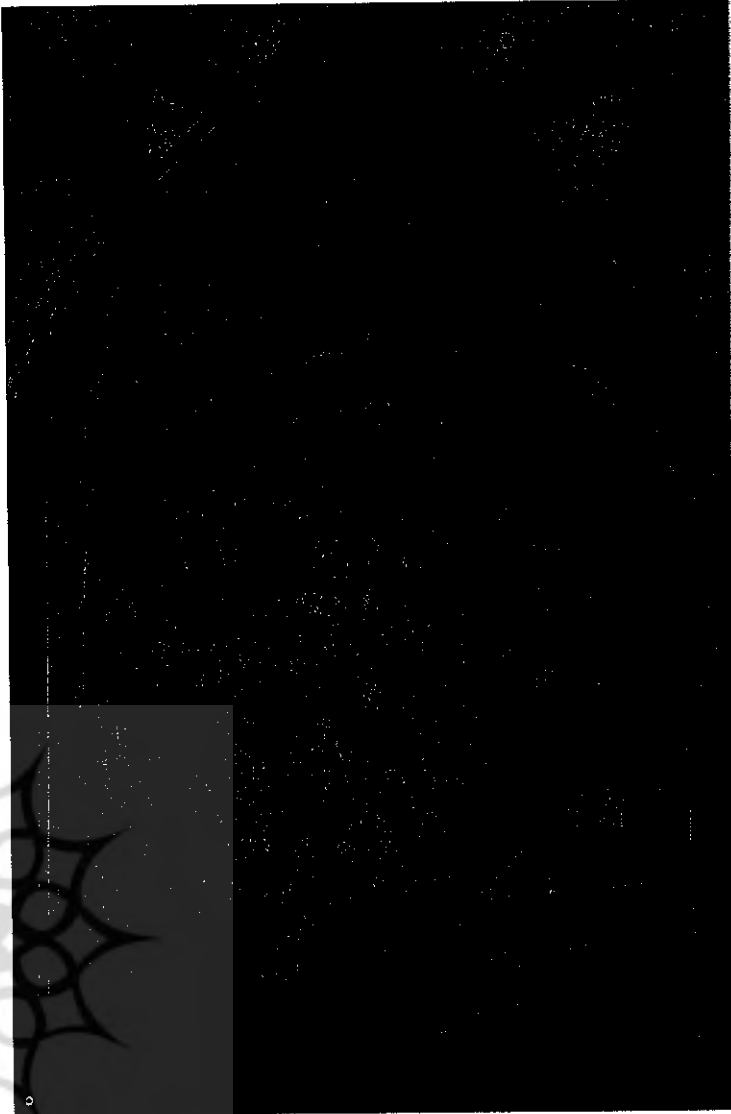
علل حضور این نقش بر پیشانی ایوان ورودی مساجد، مدارس دینی و امامزاده‌ها در عصر صفویه به ویژه در اصفهان، علاوه بر اینکه طاووس را یک مرغ بهشتی می‌دانند، شاید همان طوری که در اشعار عطار هم اشاره شده، به عنوان دربان و راهنمای مردم به مسجد باشد. طبق نظر عامه، نقش طاووس بر فراز درب ورودی مساجد، هم‌زمان شیطان را دفع و مؤمنان را استقبال می‌کند.

نقش سیمرغ

نقش سیمرغ هم مثل نقش طاووس از جمله نقوشی است که در تزیینات مساجد و اماکن مذهبی حضور دارد. سیمرغ در ادبیات حماسی قبل از اسلام (شاهنامه) نماد خرد و مداوا بوده است. اگر برای زال و یا رستم مشکلی به وجود می‌آمد، با راهنمایی و اندرز سیمرغ مشکل برطرف می‌شد. علاوه بر این پر سیمرغ مداواگر زخم آنها هم بوده است. در دوره اسلامی هم سیمرغ در ادبیات و حکمت ایرانی حضور پیدا می‌کند. در اشعار عطار در منطق الطیر، آثار غزالی، سهروردی، شبستری و ... به سیمرغ اشاره شده است. در اینجا سیمرغ دیگر نماد خرد و مداوا و سلامتی نیست بلکه به عنوان نماد الوهیت، انسان کامل، جاودانگی و ذات واحد مطلق در عرفان اسلامی است. لاهیجی در شرح گلشن راز می‌گوید: «سیمرغ را به جهت آن سیمرغ می‌خوانند که هر لون که در هر مرغی از انواع مرغان می‌باشد در پال او موجود است».

در شاهنامه فردوسی از وجود دو سیمرغ سخن رفته است که تقریباً نقشی متضاد ایفاء می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران این دوگانگی را به نبرد جاودانه اهورا مزدا و اهریمن منسوب می‌کنند. به عنوان مثال صادق هدایت در نیرنگستان، سیمرغ ناجی زال را سیمرغ اهورایی و سیمرغ هفتخوان اسفندیار را اهریمنی می‌داند. از سویی دیگر تقریباً تمام صفات این پرنده در فرهنگ اسلامی با جبرئیل منطبق است. از سیمرغ غالباً با عنوان شاه مرغان یاد می‌شود. خصوصیات ظاهری سیمرغ یا خصوصیات جبرئیل از فرشتگان مقرب اسلامی مشابه است. جبرئیل اگرچه براساس نظریه حکمای مشایی دهمین فرشته یا دهمین فرشته - عقل محسوب می‌شود؛ اما در واقع نقش او در ارتباط با عالم کون و فساد و واسطه وحی میان خدا و پیامبران بوده است و این امر سبب اهمیت و توجه بیشتر آن در فرهنگ اسلامی شده است.

همان گونه که اشاره شد، مفاهیم پیچیده و نمادین سیمرغ آن را بدل به یکی از مهمترین نشانه‌های فرهنگ عرفانی ایران کرده است. چنان که به اعتقاد عطار در منطق الطیر چون مرغان کثرت خود را در آینه تجلی حضرت حق دیدند، به سیمرغ وحدت پیوستند. همچنین به اعتقاد سهروردی سیمرغ مظهری از حقیقت راستین است، درمان هر دردی است و همراهیش ایمن بخش است. در اشعار عرفانی ادب



فارسی، نسیم صبا از نفس اوست و به همین علت آن را محرم اسرار عاشقان می دانند. در واقع دور افتادن از حقیقت و شور و شوق در طلب باز رسیدن بدان در نقش سیمرغ آورده می شود چنانکه سهروردی در رساله عقل سرخ، آشیان سیمرغ را درخت طوبی می داند. از طرفی داریوش شایگان سیمرغ را رمزی از رمزهای بهشتی می داند. او نیز سیمرغ را رمزی از نقش اسرارآمیز فرشته و نشان حمایت خداوند و امداد غیبی می داند و جلوه گاه این پرنده را در ادب فارسی در دو وجه حماسی شاهنامه فردوسی و عرفانی منطق الطیر عطار می داند.

یکی از قدیمی ترین نقش‌های سیمرغ در دوره اسلامی که تاکنون به دست آمده مربوط به تزیینات آثار سفالی نیشابور در سده های سوم و چهارم هجری می باشد. این نقوش به صورت تجریدی کار شده اند. به طور مثال این نقش را بر روی بخشی از یک بشقاب بزرگ سفالینه‌ای نیشابور که هم اکنون در موزه ملی نگهداری می شود می توان مشاهده کرد. در این سفالینه، تمامی پیکره سیمرغ با خطوط و سطوح ساده طرح شده است. سر به سمت بال ها متمایل و دم پرنده به شکلی ساده ممکن ترسیم شده است. فضای میان بال پرنده با نقوشی تزیینی به صورت منفی دیده می شود.

هنرمندان در سده های بعد، خصوصا در کاشی‌های دوره ایلخانان مغول و تیموری از نقش سیمرغ در تزیینات بناها استفاده کرده اند. در دوره صفویه این نقش به نسبت دوره های قبل و همچنین در مقایسه با نقش طاووس کمتر استفاده شده است. یکی از زیباترین نقوش سیمرغ در اصفهان در کاشیکاری های نمای بیرونی کاخ هشت بهشت می باشد (شکل ۶).

نقش سردر ورودی بعضی از ایوان های مجموعه «گنج علی خان» کرمان که در عهد صفویان کار شده است، با نقش سیمرغ کاشیکاری شده است (شکل ۷). از دیگر نقش‌های سیمرغ تزیینات سر در ورودی مدرسه علمیه نادر دیوان بیگی در بخارا است که در سده دهم هجری ساخته شده است. هنرمند، نقش سیمرغ به همراه نقش خورشید با کاشی معرق را به صورت گرافیکی و با رنگ های متنوع طرح نموده است (شکل ۸).

با توجه به گستردگی انواع نقوش تزیینی طاووس و سیمرغ در هنر ایران، بررسی همه جوانب آنها در چارچوب این پژوهش نمی گنجد. در اینجا به همین چند مورد بسنده می شود. امید است در آینده شاهد مطالعات و تحقیق های جامع تر و کاربردی تر در زمینه هنر سرزمین ایران که متأسفانه تا کنون مورد توجه شایسته قرار نگرفته باشیم.

نتیجه:

نقوش تزیینی طاووس و سیمرغ در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهری دارد اگرچه زیبا جلوه دادن آثار هنری خود یکی از شاخصه‌های مهم هنر اسلامی است ولی این هنر از ارزش‌های والا تری هم برخوردار است. هر نقش فقط رنگ و شکل نیست بلکه معنایی هم دارد. در حقیقت ظاهر هر نقش در هنر اسلامی در آغاز، در حکم دیدن یک معنای نادیدنی و باطنی است. با مطالعه و پژوهش در این بعد از هنر اسلامی به یقین احیا و درک بسیاری از مفاهیم نمادین هنر اسلامی را در پی خواهید داشت. بت پرستی چون بمانی در صور بگذر از صورت بر معنی نگر

فهرست منابع و مآخذ:

- الیاده، میرجیا، مقدمه ای بر فلسفه ای از تاریخ (السطوره بازگشت جاودانه)، بهمن سرکاراتی تریز، انتشارات نیما، چاپ اول ۱۳۶۵.
- الیاده، میرجیا، رساله در تاریخ ادیان، جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۷۲.
- امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۸.
- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، انتشارات فکر و روز، چاپ اول ۱۳۳۳.
- پوپ، آرتور، معماری ایران، غلامحسین صدر افشار، ارومیه، نشر انزلی، چاپ اول ۱۳۶۶.
- پوپ، آرتور، شاهکارهای هنر ایران، پرویز ناتن خانلری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- سهروردی، شهاب الدین، عقل سرخ، مهرن سلگی، ناشر مهران سلگی، ۱۳۷۶.
- شایگان، داریوش، هنری کرین، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، باقر بهرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- غزالی، محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچ، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، جلد دوم، ۱۳۶۸.
- گیشمن، رمن، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۱.
- لاهیجی، محمد، شرح گلشن راز، مقدمه مصحح و ... محمد رضا بزرگ خالقی و عفت کریمی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
- لسترینج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار النوار، لبنان، دارچاه، ۱۹۸۳، جلد ۸.
- منشی، قمی قاضی احمد، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
- هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، گردآورنده: جهانگیر هدایت، تهران، نشر چشمه، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- هروی، جواد، تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول ۱۳۸۰.
- واحد نوست، مهوش، نهادینه های اساطیری در شاهنامه فردوسی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۸۹.
- Grabar, O. The Mediation of Ornament, Princeton: Princeton University Press, 1992.
- Jorgensen, M. Goller. Medieval Islamic Symbolism and the Paintings in the Cefalù Cathedral, Leiden: E. J. Brill, 1966.

شرح تصاویر:

- ۱ - نقش درخت زندگی همراه با طاووس، لوح گچی تیسفون، دوره ساسانی، موزه متروپولیتن نیویورک.
- ۲ - نقش دو طاووس در دو طرف کوزه آب حیات درخت زندگی، مسجد امام (شاه سابق) اصفهان، دوره شاه عباس صفوی (عکاس: آقای نصر اصفهانی)
- ۳ - نقش طاووس به صورت تکی و از روبرو، سردر ورودی مدرسه چهار باغ، اصفهان، دوره شاه سلیمان، صفویه، سده یازدهم هجری. (عکاس: آقای خدارحمی)
- ۴ - نقش طاووس در بغل یک فرشته تزیینات نمای جنوبی قصر هشت بهشت اصفهان، صفویه، سده یازدهم هجری.
- ۵ - نقش طاووس، نقاشی دیواری قصر ناین، دوره شاه عباس اول، سده یازدهم هجری. (عکاس: آقای خدارحمی)
- ۶ - نقش سیمرغ، تزیینات نمای جنوبی قصر هشت بهشت، سده یازدهم هجری.
- ۷ - نقش سیمرغ، سر در یکی از ایوان های مجموعه گنجعلی خان، کرمان، سده یازدهم هجری.
- ۸ - نقش سیمرغ، سر در مدرسه علمیه نادر دیوان بیگی، کاشی معرق، بخارا، سده دهم هجری.

